شهرآرا
روزنامه شهروند زندگی
۵شنبه
۲۷شهریور ۱۳۹۹
۲۸ محرم ۱۴۴۲
شماره ۳۲۰۴
SHAHRARANEWS.IR
۱۵
فرهنگ و هنر

زین قند پارسی

نگاهی به گستره نفوذ شعر و زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران امروز

وحید حسینی ایرانی

جستار

شعر و ادب فارسی که در گاهنامه‌های رسمی ایران روزی به نامش ثبت شده، ذات و هویتی بسیار فراتر از یک مفهوم و کنش سیاسی - یعنی همین نام‌گذاری سالروز درگذشت سید محمدحسین شهریار به روز شعر و ادب فارسی- دارد. این فراتر بودنْ نخست از دید موضوعی معنا پیدا می‌کند که فرهنگ و تاریخ و ادب را دربرمی‌گیرد و سپس از نگرِ جغرافیا که گستره پهناوری را شامل می‌شود. در این یادداشت می‌کوشم با تمرکز و درنگ بر مورد دوم، گستره نفوذ فرهنگ ایرانی را یادآور شوم که شعر و زبان فارسی نمودی والا از آن است. به‌جز جغرافیای سیاسی ایران کنونی که همچون ایران تاریخی و فرهنگی مجموعه‌ای متنوع از اقوام و زبان‌ها و گویش‌ها را پوشش می‌دهد [که همگی از دیرباز با زبانی واحد و رسمی یعنی همین فارسی با یکدیگر پیوستگی و داد و ستد و همکنشی دارند] کشورها و مناطق دیگری نیز از آبشخور ایرانی‌مآبی و شعر و ادب فارسی سیراب شده‌اند. در این سرزمین‌ها فارسی به عنوان رکنی انکارنشدنی از ایرانی‌مآبی، یا همچنان زبان رسمی یا یکی از زبان‌های رسمی است -تاجیکستان و افغانستان- یا نفوذ و پیشینه‌ای دور و دراز دارد -هندوستان، ازبکستان، ترکیه و برخی سرزمین‌های پیرامونی آن (متصرفات حکومت عثمانی پیشین). چنانکه اشاره شد، شعر و ادبیات از نمودهای برجسته زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است که در مناطق یادشده همچون کشور ما تاریخی دیرین و جایگاهی بلندپایه دارد. مثلا در هندوستان بزرگ -هند و پاکستان و ...- که زبان ملی ما از هشتصد تا بیش از هزار سال سابقه دارد و پیش از چیرگی و شیطنت‌های استعمارگران بریتانیایی، برای سده‌ها زبان رسمی بود؛ آن هم در روزگاری که حکومت‌هایی از تبار ترک و مغول و افغان-گورکانیان، مجموعه سلسله‌های سلطنت دهلی، و... بیدل دهلوی، امیرخسرو دهلوی، اقبال لاهوری، فیضی دکنی، سلطان باهو، حماد جمالی و ... تنها برخی از نام‌هایی هستند که در هندوستان بالیدند و به فارسی شعر گفتند. بیدل نه‌تنها در سرزمین خود که در تاریخ شعر فارسی یکی از سرآمدان است. شعر او مایه‌هایی از عرفان و مفاهیم پیچیده را در قالبی از انواع آرایه‌های ادبی و تعابیر و عبارت‌های زیبا اما دشوار عرضه می‌کرد (موج ما یک شکن از خاک نجوشید بلند / بحر عجزیم که در آبله طوفان کردیم). یا اقبال لاهوری شاعری اهل سیاست و فلسفه بود که اندیشه‌های اسلام‌گرایانه و غرب‌ستیزانه‌اش را جامه بیت و مصرع فارسی می‌پوشاند.

در امپراتوری عثمانی نیز به‌رغم رقابت‌ها و جنگ‌ها و دشمنی‌های سلاطینشان با برخی حکومت‌های تاریخ ایران، زبان و شعر فارسی و حتی نام ایران جایگاهی ویژه داشته است. سلطان سلیم که سیمایی خونخوار و ویرانگر از خود در تاریخ به جا گذاشت و جنایاتش در تبریز از خاطر ما ایرانی‌ها نخواهد رفت، حکمرانی اهل شعر و ادب و دوستدار شاهنامه و ایران بود و خود به فارسی شعر می‌گفت! از اوست: «اهل دل را جز این مرادی نیست/ که سپارند جان به خاک رهت». پیش و پس از او، سلطان محمد فاتح و سلیمان قانونی و دیگران نیز دستی در سرایش به این زبان عالمگیر داشتند. در دربار عثمانی زبان فارسی در چندین سده رایج بود و در مناسبات سیاسی و فرهنگی به کار می‌رفت تا اینکه آتاتُرک بساط امپراتوری عثمانی‌ها را برچید و سعی کرد این بلا را بر سر زبان فارسی نیز بیاورد -که البته همچنان نشانه‌های زبان و ادب فارسی در زبان و فرهنگ امروز مردم ترکیه ردیابی می‌شود. بدیهی و طبیعی است که وقتی خود فرمانروایان تُرک‌زبان عثمانی شاعران پارسی‌گوی بوده‌اند، در قلمرو آن‌ها شاعران پارسی‌گوی فراوان باشند. میان فهرست این چامه‌سُرایان، از شهروندان ایرانیِ سرخورده دیده می‌شد - به عللی چون مشکلاتشان با شاهانِ صفوی و یا شاید دشواری رقابت با شاعران توانمندی که در ایران فراوان بودند- تا شهروندان عثمانی؛ از حامدی اصفهانی و قبولی تا شیخی طبیب و نعیم فراشری، شاعر ملی کشور کنونی آلبانی و

ازبکستان امروز نیز که شماری از شهرهای تاریخی ایران بزرگ در تقسیمات سیاسی دوران معاصر آن محدوده واقع شده، منطق‌های مهم در شعر و زبان فارسی است. در وصف این اهمیت همین بس که شهرهای سمرقند و بخارا بخش‌هایی از ازبکستان‌اند و بر پایه آمارهای غیررسمی، حدود یک‌سوم جمعیت آن فارسی‌زبان‌اند. حتی اتحاد شوم سیاست‌های حکومت شوروی سابق و پان‌ترکیسم در فارسی‌زدایی، نتوانسته زبان ازبکی را که زبان رسمی این کشور است، از نفوذ پررنگ فارسی دور سازد. برای روشن‌تر شدن جایگاه شهرهای سمرقند و بخارا در فرهنگ و ادب ایرانی کافی است نگاهی گذرا به تاریخ ادبیات فارسی بیندازیم. صرف‌نظر از بیت زبانزد حافظ شیرازی درباره دو شهر یادشده (اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را/ به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را)، واقعیتی استوار به این شهر پیوند خورده است: رودکی پدر شعر فارسی اهل سمرقند است و جز او نیز می‌توان ناصر بخارایی و سوزنی و رشیدی سمرقندی و کرام بخارایی و شماری دیگر از شاعران پارسی‌گوی را نام برد.

با این تفاصیل، دیگر گفتن از سیطره فرهنگ ایران و فارسی در تاجیکستان که مردمش شور و دلبستگی ویژه‌ای به آن دارند، توضیح واضحات است. سرزمینی که در همان سده‌های آغازین پس از چیرگی خلفا بر ایران بزرگ، بخشی از قلمرو شاهنشاهی فرهنگ‌دوستِ سامانیان شد و تا امروز شاعران بسیاری چون ناصرخسرو و کَمال خجندی و... در آن نمودار شده‌اند.

همچنین افغانستان، به مثابه قسمتی از خراسان بزرگ، که زبان ملی ما یکی از دو زبان رسمی این کشور است، خاستگاه بسیاری از شخصیت‌های شعر فارسی است. شاعران ایران فرهنگی که حتی نام بردن از ایشان در این مجال نمی‌گنجد: مولانا، سنایی، خواجه عبدا... انصاری، جامی، رابعه بلخی و

ادامه از سرمقاله صفحه یک

از سرمایه ملی تا تقلیدصدا



عبدالجواد موسوی
روزنامه‌نگار

این روزها رسما از تریبونی که روزگارانی قرار بود دانشگاه باشد، به آن‌هایی که تقلیدصدا انجام می‌دهند، هنرمند می‌گویند و تنها کسانی که در آنجا شأن و منزلتی ندارند، هنرمندان حقیقی این سرزمین هستند. بگذریم. شعر ما را فریب می‌دهد تا بتوانیم پلشتی‌های واقعی جهان و بار سنگین حقیقت هستی را تاب بیاوریم و چند صباحی را به‌نام زندگی سپری کنیم. به‌تعبیر حضرت مولانا، «استن این عالم ای جان غفلت است/ هوشیاری این جهان را آفت است/ هوشیاری زآن جهان است و چو آن/ غالب آید پست گردد این جهان»

اگر غفلت به‌معنای محمود کلمه در کار نباشد، نه خانواده‌ای تشکیل می‌شود و نه کسب‌وکاری رونق می‌گیرد و نه از آبادانی نشانی خواهد بود. حالا فرض بفرمایید ما مردمانی که به‌حکم جبر جغرافیایی همواره در شرایط حساس کنونی به‌سر می‌بریم، از نعمت همین‌مقدار غفلت هم بی‌بهره بودیم. تصورش هم هولناک است. اما روزی را به‌نام شعر در تقویم رسمی ثبت کردن چه تأثیری در اوضاع و احوال ما داشته و دارد؟ هیچ و کم از هیچ! فقط خواسته‌ایم بگوییم ما به سرمایه ملی خودمان احترام می‌گذاریم. از این حیث البته کار بدی انجام نداده‌ایم، اما از آنجا که ما به هر چیز که رسمیت داده‌ایم، تقریبا آن را از معنای حقیقی‌اش تهی کرده‌ایم و صرفا جهت رفع‌تکلیف آن را انجام داده‌ایم، این کار هم نقش چندانی در اهمیت‌دادن به سرمایه ملی ما نداشته است. از انتخاب شعر در کتاب‌های درسی و بی‌اهمیت‌بودن آن در مقاطع مختلف تحصیلی تا آنچه این روزها به‌اسم ترانه و تصنیف از صداوسیما پخش می‌شود و حتی اعتراض بالاترین مقام رسمی کشور را هم در پی داشته است، نشان می‌دهد آنچه در تقویم ثبت شده، بیشتر به یک شوخی بی‌مزه شباهت دارد تا امری جدی و مهم.

فرهنگ و ارشاد استان با ذبیح!... صاحبکار بود.

از کهن‌سالان ادیب خراسان، غلامرضا صدیق به جلسات می‌آمد. گاهی استاد محمد قهرمان را هم دعوت می‌کردند. این پیش‌کسوتان خودشان با افراد دانشگاهی هم مرتبط بودند و آن‌ها هم می‌آمدند. جلسه شعری هم بود که استاد غلامرضا فنایی مسئولش بودند. هاشم بهروز می‌آمد، سعید شاد و حامد علیزاده. از نسل‌های میان‌سال، غلامرضا شکوهی هم می‌آمد. در این جلسه، دانش‌آموزان هم شرکت می‌کردند. گروهی کسبه هم حضور داشتند. شاعری داشتیم که نقاش ساختمان بود اما شعرهای خوبی می‌گفت. فضای پررونقی بود که الهام اشعارمان از همانجا شکل گرفت.

خوب چه اتفاقی افتاد؟ چرا این جلسات ادامه پیدا نکرد؟

باید این‌طور پاسخ دهم که آیا آن مردم از ادبیات رویگردان شدند؟ آیا به کهولت سن شاعران پیش‌کسوت ربط دارد که نتوانستند جلسات را بگردانند؟ خیر. آن سالن‌های پر رونق را از ما گرفتند و گفتند در خیابان مدرس و در یک زیرزمین، جلسه شعر برگزار کنید. خوب معلوم است به پیش‌کسوتان برمی‌خورد که با آن همه طرفدار باید بروند داخل یک زیرزمین. همین‌جا خیلی‌ها از این جلسات رویگردان شدند و دیگر شاعران خوب کمتر به این محافل آمدند. یک مانع فیزیکی پیش آمد و همه چیز را خراب کرد. دقیقا مثل کشوری که تجزیه شود، آن جلسات به قطعات کوچک‌تری تبدیل و بعد هم نابود شد.

در فضای فعلی و با وجود کم‌رونقی محافل ادبی چگونه می‌توان به حضور نسل‌های ادبی مختلف در کنار یکدیگر امیدوار بود؟

خوشبختانه به واسطه فضای مجازی بخشی از کاستی‌ها برطرف شده است. در این فضا شاهد برگزاری حجم زیادی از مراسم زنده ادبیاتی هستیم. از نسل‌های مختلف هم در آن شرکت می‌کنند و چقدر خوب در این فضا افراد به هم وصل شده‌اند.

از طرفی دانشگاهیانی که ادبیات را دوست دارند و هنوز به هر دلیلی از ذوق ادبی خود دور نشده‌اند، باید پای کار بیایند. آن‌ها که امکانات بیشتر و سابقه بیشتر دارند، باید دانشجویان جدید را به فضاهای ادبی بیرون وصل کنند.

نهادهای خودجوش هم در این راه می‌توانند تاثیرگزار باشند. مثلا خردسرای فردوسی ادب‌دوستان را دورهم جمع کرده است و می‌دانم در هفته یک روز، به یاد استاد قهرمان شعر می‌خوانند. اهل ادب یکدیگر را پیدا می‌کنند. فرقی هم نمی‌کند دانشگاهی باشند یا فقط اهل ذوق و دوستدار ادبیات.

نقش نهادهای فرهنگی در برگزاری محافل ادبی چیست و آن‌ها چگونه می‌توانند موجب این پیوند شوند؟

نهادها باید فضا را برای برگزاری این‌طور محافل فراهم کنند. مانع‌تراشی هم نکنند. لازم نیست نهادی مردم را برای شرکت در این‌گونه محافل هل بدهد. غیر از این، با برگزاری جشنواره‌های مستقل هم می‌توانند اهالی ادب را پای کار بیاورند و دور هم جمع کنند. البته با برگزاری جشنواره‌هایی با موضوع آزاد و در تنوع ادبی، تا قشرهای مختلف در آن شرکت کنند. طبیعتا وقتی موضوع محدود شود خیلی‌ها پای کار نمی‌آیند که این خود آسیب دیگری به قشر ادبیاتی است.

به گفته این دانشجوی دکترای ارتباطات، رشدکردن در محیط ادبی مشهد ظرفیتی دارد که وقتی به این ظرفیت برسی یا باید متوقف شوی، یا خودت را تکرار کنی یا اینکه خیلی بیشتر از کسانی که در مرکز هستند برای دیده‌شدن تلاش کنی تا صدایت شنیده شود.

> در خاک مشهد فرصت درنگ، مکث و رشدکردن وجود دارد. اما برای ثابت‌کردن خود باید سال‌ها زحمت کشید و این تلاش مضاعف باعث چیره‌دست شدن هنرمند در زمینه‌های مختلف می‌شود

شفاعی می‌گوید: مهاجرت به تهران ممکن است به تضعیف ادبیات خراسان و شهرهای دیگر بینجامد. اما درباره مشهد زایندگی و پی‌درپی آمدن چهره‌های هنری آن قدر هست که بگوییم هیچ وقت این شهر، از حجت خالی نیست.

او در این باره می‌گوید: جدا از همه بحث‌های جغرافیایی و علاقه‌های نَسبی اگر بخواهیم چند شهر دارای سابقه و قدرت زایندگی را در کشور نام ببریم، قطعا یکی از آن‌ها مشهد است. اما این‌گونه نیست که شهر ما در این زمینه یکه‌تاز باشد. از نظر استعداد، توانایی، نیروی انسانی و از نظر امکان جایگزینی نسل‌های مختلف ادبیات، مشهد از شهرهای مهم و استثنایی کشور است اما از نظر امکانات و فضای رشد و اقتصاد هنر شهر ضعیفی است و به همین دلیل مهاجرت مشهدی‌ها به تهران همچنان اتفاق خواهد افتاد.

به نظر شاعر مجموعه «پنکه قدیمی» گسترده‌شدن فضای مجازی هم فقط بخشی از ضعف‌های دوربودن از پایتخت را می‌پوشاند. شفاعی می‌گوید: شاید شاعری در مشهد یا در شهرهای کوچک و حتی روستاها بتواند با استفاده از فضای مجازی، صدا و اثرش را به تمام جهان برساند اما این فقط بخشی از قضیه است. کنگره‌ها، نشست‌ها، نشریات و ... در تهران متمرکز است.

این حضور در نشست‌ها، کافه‌ها، معاشرت با ناشران و جلسات ادبی است که بخشی از شهرت شاعر را می‌سازد. خوب در بین مشهد و تهران، این‌ها اصلا با هم قابل مقایسه نیست و به هر حال بخشی از ارتباطاتی که منجر به مطرح‌شدن جریان‌های شعری یا افراد می‌شود در فضای حقیقی اتفاق می‌افتد.

این روزنامه‌نگار به این نکته هم اشاره می‌کند که شاعر برای گذران زندگی و درآمد به فعالیت نیاز دارد که این فعالیت از نظر گستردگی اقتصادی و اجتماعی در تهران فراهم‌تر است.

هنر شهری در هفته دفاع مقدس

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد در گفت‌وگو با برنامه رادیویی «شهرما» برنامه‌های این سازمان را به مناسب گرامیداشت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس تشریح کرد. صدرا یوسفی با تاکید بر اهمیت فضاآرایی شهر در چهلمین سالگرد دفاع مقدس گفت: بیش از ۳۰۰۰ آویز، ۱۵۰۰ بیرق، حجله‌های شهدا و انواع مختلف اقلام فضاآرایی آماده شده است که از ۲۹ شهریور در شهر نصب خواهد شد. او درباره اکران قاب‌های عکس شهدا در شهر نیز گفت: در این قاب‌ها که هم اکنون قابل رویت در خیابان‌های شهر است، از تصاویر اقشار مختلف شهدا استفاده شده است. ما با این کار می‌خواستیم یادآور شویم که همه افراد از صنوف مختلف برای دفاع از کشور به جبهه‌ها رفتند و شهید شدند. به گفته یوسفی از مجموع آثار آماده شده در سمپوزیوم مجسمه‌سازی مفاخر و شهدا که سال گذشته برگزار شده است چهار اثر آماده شده که در ایام هفته دفاع مقدس رونمایی خواهند شد. همچنین اجرای چهار نقاشی دیواری در شهر، برگزاری نمایشگاه عکس، چاپ پوستر چهل سال مقاومت از دیگر برنامه‌های معاونت فرهنگی شهرداری است. یوسفی یادآور شد: برنامه‌های فرهنگی و هنری مانند پرفورمنس‌هایی که به بازآفرینی فضای دفاع مقدس می‌پردازد و کاروان فرستادگان امام رضا(ع) که در شهر به صورت نمادین حرکت می‌کنند نیز برگزار خواهد شد. به گفته او تولید پادکست و کلیپ‌های مختلف برای انتشار در فضای مجازی نیز بخش دیگری از فعالیت‌ها و رویدادهایی است که در حوزه معاونت فرهنگی و هنری سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد تدارک دیده شده است.

حضور سعید توکلی در «عشق روزهای کرونا»

سعید توکلی بازیگر مشهدی با نمایش «عشق روزهای کرونا» به کارگردانی محمد رحمانیان روی صحنه می‌رود. توکلی با اشاره به اینکه «عشق روزهای کرونا» پنجمین همکاری او با محمد رحمانیان است گفت: مراحل تمرین و آماده‌سازی این نمایش با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی انجام شد و از آنجایی که قصه این نمایش در قالب شش اپیزود است، بازیگران هر اپیزود به صورت دو نفره تمرین‌های جداگانه خود را انجام دادند. توکلی خاطرنشان کرد: پس از ۲۰ سال حضور در صحنه تئاتر، ایفای نقش در شرایط جدید با وجود کرونا را تجربه کردم و انتخاب این نقش نیز همانند سایر نقش‌هایی که تاکنون داشتم با حساسیت و دقت نظر انجام شده است. امیدوارم این نمایش پس از ماه‌ها دوری از تئاتر برای مخاطب جذاب باشد. به گفته او «عشق روزهای کرونا» از ۲۷ شهریور در تالار وحدت به روی صحنه خواهد رفت. توکلی همچنین از حضور خود در یک سریال نمایش خانگی خبرداد که از هفته آینده فیلم‌برداری آن در تهران، کاشان و قشم کلیدخواهد خورد.

آگاهی به‌وقت اوتیسم

مستند «ساعت به‌وقت اوتیسم» در تالار شهر مشهد اکران شد



احسان اصولی رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای شهر مشهد در جلسه اکران مستند «ساعت به وقت اوتیسم» به کارگردانی بیژن همدرسی در تالار شهر مشهد گفت: با توجه به سطح آگاهی پایین جامعه نسبت به افراد مبتلا به اوتیسم ضروری است در مشهد برنامه ویژه‌ای برای حمایت از این گروه داشته باشیم. او با بیان اینکه عدم آگاهی شهروندان نسبت به این افراد بزرگترین مشکل خانواده‌ها به شمار می‌رود گفت: برخی رفتارهای افراد مبتلا به اوتیسم تلقی جرم انگارانه دارد لذا انتظار می‌رود، آگاه‌سازی لازم و اطلاع‌رسانی مناسب برای ضابطین محترم انتظامی و قضایی درخصوص ویژگی‌های این افراد نیز ایجاد شود.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر کمبود فضاهای مناسب برای این افراد که بتوانند به دور از نگاه‌های گزنده مردم در آسایش به تفریح آموزش و اوقات فراغت بپردازند و نیز خانواده‌ها بتوانند ساعاتی از روز را به آسایش بگذرانند در شهر مشهد حس می‌شود: به نظر می‌رسد تاسیس پانسیونی برای ارائه خدمات روزانه به این افراد می‌تواند راهگشا باشد.

اصولی خاطرنشان کرد: این جلسه از آن‌رو ترتیب داده شد تا با حضور مدیران و کارشناسان صاحب‌نظر و صاحب نفوذ شهر و گروهی از خیران که در حمایت‌های اجتماعی و ایفای مسئولیت‌های شهروندی پیشگام هستند بتوانیم برای جلب حمایت‌های لازم در خصوص اجرای اقدامات عملی به منظور رفاه حال مبتلایان به اوتیسم گام‌های مثبتی برداریم. «ساعت به وقت اوتیسم» روایتگر مشکلات و مصائب خانواده‌های دارای فرزند مبتلا به اوتیسم است و علائم و نشانه‌های آن به مخاطب انتقال داده می‌شود. علی آقامحمدی، نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمدرضا حیدری رئیس شورای اسلامی شهر مشهد به‌همراه اعضای این شورا، برخی از مسئولان شهر و سعیده صالح غفاری رئیس انجمن اوتیسم ایران از جمله حاضران در این رویداد بودند.

